

مشاعر

شرح

استاد ملا محمد حسین ابراهیمی دینانی

بر رسالة الشاعر صدر الزمان شیرازی

پیدا آورنده:

حسین کریم آبادی



نورسخن

۱۳۹۸

سرشناسه	ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۱۳
عنوان قراردادی	المشاعر، فارسی-عربی . شرح
عنوان و نام پدیدآور	مشاعر: شرح استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی بر رساله المشاعر صدرالمشاهین شیرازی/ پدیدآور: حسین کریم آبادی
مشخصات نشر	تهران: نور سخن، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۴۲۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۶۰-۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر شرحی بر "المشاعر" صدرالمشاهین شیرازی است.
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	شرح استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی بر رساله المشاعر صدرالمشاهین شیرازی.
موضوع	صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ق. المشاعر — نقد و تفسیر
موضوع	مستی شناسی (فلسفه اسلامی)
موضوع	Ontology (Islamic Philosophy)*
شناسه افزوده	کریم آبادی، حسین، ۱۳۶۸، پدیدآورنده
شناسه افزوده	صدرالمشاهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ق، المشاعر. شرح
رده بندی کنگره	۱۳۱۱۰
رده بندی دیویی	۱۹۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۹۵۶۰



نور سخن

عنوان: مشاعر: شرح استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی

بر رساله المشاعر صدرالمشاهین شیرازی

پدیدآورنده: حسین کریم آبادی

بهاء: ۷۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۶۰-۵-۶

مشخصات نشر: انتشارات نور سخن

تمام حقوق این اثر، برای ناشر محفوظ است

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل، کوچه گلزار، پ. ۹، واحد ۱

تلفن تماس: ۸۸۹۴۴۴۱ و ۹۱۹۵۵۵۳۶۱



noor-sozhan.ir



NoorSozhanpub

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۲۷	مقدمه استاد ابراهیمی دینانی
۳۹	خطابه آغ‌بین صدر المتألهین
۴۳	الفاتحه فی تحقیق مفهوم الوجود و أحكامه و إثبات حقیقته و أحواله
۴۳	المشعر الأول: فی بیان اتّغنی عن التعریف
۵۵	المشعر الثاني: فی تحقیق حقیقه له للأشیاء
۶۸	المشعر الثالث: فی تحقیق الوحید عیناً
۶۸	الشاهد الأول
۸۵	الشاهد الثاني
۹۰	الشاهد الثالث
۹۵	الشاهد الرابع
۱۰۸	الشاهد الخامس
۱۱۷	الشاهد السادس
۱۲۵	الشاهد السابع
۱۳۲	الشاهد الثامن
۱۳۸	المشعر الرابع: فی دفع شکوک اوردت علی عینة الوجود
۱۳۸	إشکال اول
۱۴۵	إشکال دوم
۱۵۴	إشکال سوم
۱۶۴	إشکال چهارم
۱۶۷	إشکال پنجم
۱۷۹	إشکال ششم

- ١٨٦ إشكال هفتم
- ١٩٤ إشكال هشتم
- ١٩٦ المشعر الخامس: في كيفية اتّصاف الماهية بالوجود
- ٢١٠ اشراق حكيمى
- ٢٣٠ تنبيه
- ٢٣٤ المشعر السادس: في أنّ تخصيص أفراد الوجود وهوياتها بما ذا على سبيل الاجمال
- ٢٤٤ توضيح فيه ذمّح
- ٢٥١ المشعر السابع: في أنّ الأمر المجمعول بالذات من الجاعل و الفائض من العلة هو الوجود دون الماهية - له شواهد
- ٢٥١ الشاهد الأول
- ٢٦٠ الشاهد الثاني
- ٢٦٦ الشاهد الثالث
- ٢٧٢ الشاهد الرابع
- ٢٧٦ الشاهد الخامس
- ٢٨١ قول عرشى
- ٢٨٧ الشاهد السادس
- ٢٩٣ الشاهد السابع
- ٢٩٧ الشاهد الثامن
- ٢٩٩ المشعر الثامن: في كيفية الجعل و الافاضة و اثبات البارئ الاوّل و أنّ الجاعل الفيّاض واحد لا تعدّد فيه و لا شريك له
- ٢٩٩ المشعر الأوّل: في نسبة المجمعول المبدع الى الجاعل
- ٣٠٦ المشعر الثانى: في مبدأ الموجودات و صفاته و آثاره
- ٣٠٦ المنهج الأوّل في وجوده تعالى و وحدته
- ٣٠٦ المشعر الأوّل: في اثبات الواجب - جلّ ذكره - و في أنّ سلسلة الوجودات المجمعولة يجب أن تنتهى الى واجب الوجود
- ٣١٣ المشعر الثانى: في أنّ واجب الوجود غير متناهى الشدّة و القوّة و أنّ ما سواه متناه

- المشعر الثالث: في توحيده تعالى ٣١٧
- المشعر الرابع: في أنه المبدأ و الغاية في جميع الأشياء ٣٢٤
- المشعر الخامس: في أن واجب الوجود تمام كل شيء ٣٣٢
- المشعر السادس: في أن واجب الوجود مرجع كل الامور ٣٣٦
- المشعر السابع: في أنه تعالى يعقل ذاته و يعقل الأشياء كلها من ذاته ٣٤٠
- المشعر الثامن: في أن الوجود بالحقيقة هو الواحد الحق تعالى و كل ما سواه بما هو مأخوذ بنفسه هالك دون وجهه الكريم ٣٥٢
- تنبيه ٣٦٠
- المنهج الثاني في ذاته من أحوال صفاته تعالى ٣٦٢
- المشعر الأول: (في أن صفاته تعالى عين ذاته) ٣٦٢
- المشعر الثاني: في كبرية لاهوته الى بكل شيء على قاعدة مشرقية ٣٧٠
- المشعر الثالث: في الاشارة الى ان صفاته الكمالية ٣٧٥
- المشعر الرابع: في الاشارة الى صلاحه تعالى و كتابه ٣٨٣
- المنهج الثالث: في الاشارة الى الصنع و الابداع ٣٩٤
- المشعر الاول: في فاعلية الفاعل ٣٩٤
- المشعر الثاني: في فعله تعالى ٤٠٠
- المشعر الثالث: في حدوث العالم ٤١٧
- خاتمة الرسالة ٤٣٤
- نمايه ٤٤٩

پیشگفتار

صدرالدین محمد فرزند ابراهیم قوامی شیرازی ملقب به ملاصدرا و «صدرالمآلهین» در سال (۱۵۷۱/۹۷۹) و در زمان حکومت صفویه در شهر شیراز چشم به جهان گشود. پدر او یکی از وزیران آن زمان شناخته می‌شد. او در کودکی و نوجوانی توسط اساتید مختلف، علوم رایج زمانه را همچون صرف و نحو و ... فرا گرفت و تا بیست و یک سالگی در شهر شیراز ماند و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به سوی قزوین، پایتخت وقت ایران، سفر کرد. در میان راه در شهر کاشان، دو سال را اقامت گزید و از اساتیدی همچون «شاه مرتضی» بهره برد. در نهایت به سوی قزوین رفت. در شهر قزوین نیز به محضر درس اساتیدی همچون شیخ بهاءالدین عاملی ملقب به شیخ بهایی و همچنین میرداماد، دیگر استاد برجسته فلسفه آن زمان، به یادگیری علوم و معارف عقلی پرداخت. نزد شیخ بهایی بود که صدرالدین به تحصیل علوم سنتی همچون فقه و تفسیر و علم حدیث پرداخت. در سال ۱۰۰۶هـ.ق با انتقال پایتخت، ایران، از قزوین به شهر اصفهان، همراه با اساتید خود به سوی شهر اصفهان رفت. از میان اساتید ملاصدرا، شاید یکی از مهم‌ترین آن‌ها را می‌بایست میر محمد باقر داماد، داماد محقق کرک، ملقب به «میرداماد» دانست که او را مؤسس بنیان‌گذار «مکتب اصفهان» دانسته‌اند. در مکتب اصفهان است که حکمت متعالیه صدرالمآلهین شیرازی، ظهور می‌یابد. یکی از دلایلی که کمتر به آثار میرداماد توجه شده را باید در صعوبت و دشواری نوشته‌های وی دانست. میرداماد که ملقب به معلم ثالث شناخته می‌شود، صدرالدین را از تعلیمات معنوی خود بهره‌مند ساخته بود.

در اصفهان بود که ملاصدرا به یادگیری هم‌زمان علوم عقلی و نقلی پرداخت. میرداماد، ابوالقاسم میرفندرسکی و شیخ بهایی پرداخت. یکی از برکات مهم زندگی صدرالدین، پشتوانه عظیم و میراث فکری و آموزه‌های عرفانی است که ملاصدرا از آن‌ها به‌خوبی بهره برده است. در نهایت توجه عمیق وی و بازخوانی آن میراث عظیم و همچنین ابتکارات فلسفی او بود که سبب شد صدرالمآلهین «از طریق منشور عقل پرتوافشانش، چشم‌اندازی جدید پدید آورد که در آن واحد، منطق بر عمق اسلام و آشنا با خواسته‌های منطقی ذهن و بایسته‌های

شهودی باشد که سبب بنیان‌گذاری مکتب «حکمت متعالیه» گشت.^۱ صدرالمآلهین حکمت متعالیه مورد علاقه خویش را از هرگونه تقلید و پیروی عامیانه منزه و دور دانسته و معتقد است آنچه در این رشته از معرفت مطرح می‌شود با تخیلات صوفیانه و اوهام اهل خانقاه نیز فاصله و تفاوت بسیار دارد. این فیلسوف بزرگ ادعا می‌کند که از طریق تأمل و تدبیر در آیات الهی و تفکر در ملکوت آسمان و زمین به نتایج و ثمراتی دست یافته که می‌توان آن را حکمت متعالیه و فلسفه الهی نامید.^۲

در ادامه صدرالمآلهین به دلیل برخورد قشری مذهبانه عالمان شهر که اکثراً از علمای اخباری مسلک، زه‌انگ بودند، مجبور به هجرت به شهر دیگری نظیر قم و روستای کهک در سی کیلومتری آن شد و در آنجا به ریاضت عقلی پرداخت. «ملاصدرا همچون تمام سلاله خود در طی قرون، مورد اقبال و جهال و نادانانی از هر قبیله بوده است که گاهی به نحو خاص از ناحیه فقها تحریک می‌شدند؛ بعضی از این فقها تعمداً آنچه را که مقوم ماهیت شیعه است، کنار می‌گذاشتند و به اسم تعبد راهدانه نسبت به نص، نوعی لادری‌گری مخرب را تدریس می‌نمودند.»^۳ ملاصدرا در یکی از آثار خود با عنوان کسر أصنام الجاهلیه با گروهی از صوفیان زمانه که مخالف هرگونه تفکر عقلانی هستند به مخالف می‌پردازد و در برخی دیگر از آثار خود «سرسختانه با نادان‌هایی که حتی خط‌باک‌تر از گروه اول هستند به مبارزه پرداخته است، یعنی آن‌هایی که به ذات شیعه صدمه وارد می‌آورند و با نفی هر نوع جنبه باطنی، درواقع نوعی بدعت‌گذاری می‌نمایند.»^۴ این دوره را می‌توان از ملوهای تازه از زندگی صدرالمآلهین در نظر گرفت که سبب عروج هرچه بیشتر معنوی او گردید که ثمره آن را می‌توان در آثار شگرف وی که در این دوران به رشته تحریر درآمده است مشاهده نمود. در آن زمان بود که به نقل از کربن و برخی از مورخین، الله‌وردی خان، یکی از سرداران سپاه

۱. سید حسین نصر، صدرالمآلهین شیرازی و حکمت متعالیه، به ترجمه حسین سوزنجی، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۴۷.
۲. غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ۴، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۳. هانری کربن، مقدمه بر المشاعر، به ترجمه کریم مجتهدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱، ص ۲۱.
۴. همان، ص ۳۴.

صفویه و حاکم فارس و هم‌زمان با حکومت شاه‌عباس اول، دستور ساخت مدرسه بزرگی در شهر شیراز را صادر کرد و سپس از ملاصدرا خواهش می‌نماید که در آنجا مشغول به تدریس شود. صدرالدین در دهه دوم قرن یازدهم هجری به شیراز بازگشت و در آنجا ازدواج کرد و مشغول به تدریس علوم عقلی گشت؛ البته درباره زمان دقیق بازگشت وی به شیراز، نظر واحدی یافت نشده است. آنچه حائز اهمیت است، تبدیل شدن شیراز به یکی از کانون‌های مهم علم و فرهنگ، پس از نفوذ اندیشه‌های صدرالمتهلین به شیراز است. صدرالمتهلین در شهر شیراز، به تدریس و همچنین تحریر آثار خود پرداخت و شاگردان زیادی را تربیت نمود. اندیشه ملاصدرا از این جهت حائز اهمیت است که تا به امروز بر حکمت ایرانی اثر گذاشته است. نقل شده است که صدرالدین هفت بار با پای پیاده به سفر حج رفت. در سفر هفتم و در سال (۱۰۵۰/۱۶۴۰) در شهر بصره، چشم از جهان فرو بست.

به جرأت می‌توان صدرالمتهلین را بنیان‌گذار و همچنین بسط‌دهنده افکار و اصول نوینی در دوره فلسفه اسلامی دانست که مرئیست آن‌ها را ذیل عناوینی نظیر اصالت وجود، حرکت جوهری، حدوث جسمانی نفس، اتحاد محل و معقول، تبیین معاد جسمانی و ... بیان کرد که نظیر آن را نمی‌توان تا پیش از صدرالمتهلین رد. بیان آثار متفکران پیشین مشاهده نمود. هرچند سویه‌ها و ریشه‌های این اصول، می‌تواند در برخی حکمای پیش از صدرالمتهلین که خود نیز از آن‌ها بهره برده است، مشاهده نمود؛ حکمایی همچون ابن‌سینا که صدرالمتهلین با احترام ویژه‌ای از او یاد می‌کند. در حال این ملاصدرا بود که به زیبایی توانست به تقریر و تدوین اصول فلسفی همچون حرکت حرری، نائل آید. استاد جلال‌الدین همایی نیز درباره عظمت نظام فکری صدرالمتهلین نوشته‌اند: «از قرن یازدهم هجری زمان میرداماد و ابوالقاسم میرفندرسکی صاحب رساله فارسی صنایع و رساله عربی حرکت متوفای ۱۰۵۰هـ تا عصر حاضر که حدود چهار قرن می‌شود، حکیمی طلیق اللسان و عارفی عذب البیان که در جامعیت فنون عقلی و نقلی و احاطه به دقایق فلسفه و عرفان و تبحر در کشف رموز حکما و عرفا آینه جلوه‌نمای آیت **إِنَّهُ حَكِيمٌ**

عَلِيمٌ^۱ و مظهر انوار و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا^۲ باشد، مانند صدرالمتألهین ظهور نکرده واحدی که هم سنگ و هم پایه او باشد، در ظرف این مدت پا به عرصه وجود نهاده است.^۳ صدرالمتألهین در اکثر آثار خود، مخاطبین حقیقت جوی خویش را به تفکر و همچنین نفی تقلید صرف، دعوت کرده است. در نظر صدرالمتألهین «کسی که نمی خواهد دامن خود را به آب دریای معرفت مرطوب کند ناچار در دام تقلید کورکورانه گرفتار خواهد شد. صدرالمتألهین معتقد است تقلید هرچند ممکن است انسان را به مرحله ای از جزم و یقین برساند ولی این جزم و یقین به هیچ وجه قابل اعتماد نبوده و با طرح اندک شبهه یا اشکالی محو و نابود می گردد.»^۴

«مکتب اصفهان» پس از صدرالمتألهین و توسط برخی شاگردان و هم اندیشان وی به حیات خود ادامه داده است. اشخاصی همچون ملا محسن فیض کاشانی و عبدالرزاق لاهیجی که هر دو داماد ملا صدرا شده اند، از مهم ترین شاگردان صدرالمتألهین به شمار آورد. همچنین اشخاصی همچون ارجعلی تبریزی، ملا شمس گلانی، آقا حسین خوانساری، سید احمد علوی و قاضی سعید قمی از شما، شخصیت های این مکتب فکری به شمار می آیند، ولو اینکه گاهی از نحوه تفکر متفاوت بهره می بردند. به طور مثال شیخ رجبعلی تبریزی را می توان یکی از حکمای نیرومند مکتب صدرالمتألهین دانست که متأثر از میرفندرسکی و مکاتب فکری دیگری است که یک جهان مکتب فکری را پایه ریزی کرد؛ البته در عین حال او با بسیاری از آراء صدرالمتألهین، به مخالفت پرداخت از جمله حرکت جوهری که آن را به شدت مورد انکار قرار می دهد. همچنین قاضی محمد علی نیز که یکی از حکمای متأله به شمار می آید، از مهم ترین شاگردان شیخ رجبعلی تبریزی به شمار می آمده است. با این همه، اندیشه های فلسفی ملا صدرا از چنان قدرتی برخوردار است که در حدود

۱. الأنعام: ۱۳۹.

۲. البقرة: ۳۱.

۳. ملا محمد جعفر لاهیجی، شرح رسالة المشاعر ملا صدرا، به تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، قم: بوستان

کتاب، ۱۳۸۶، ۱۳.

۴. غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، ۴، تهران: طرح نو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷.

چهارصد سال، منشأ آثار حکمی فراوانی بوده است. با اینکه در اواخر دوران صفوی، فضای دینی بر علیه تفکر فلسفی و خصوصاً حکمت متعالیه شکل گرفت، اما تدریس فلسفه در اصفهان با اساتیدی همچون عنایت‌الله گیلانی، میرسید حسن طالقانی و مولا محمد صادق اردستانی ادامه یافت. «زندگی غم‌انگیز مولا محمد صادق اردستانی نمونه‌ای بارز از وضعیت اسف‌بار فلسفه در اصفهان دوره حکومت شاه سلطان حسین، در اواخر عهد صفوی در قرن دوازدهم است. این حکیم و عارف واصل از پیروان تعالیم ملاصدرا بود، همان طریقی که از رساله کوتاه او به زبان فارسی با عنوان جعل پیداست. وی به خاطر تألیف رساله دیگری با عنوان الحکمة الصادقیه نیز مشهور است، این رساله به بحث درباره قوای نفس می‌پردازد. حاکم سلسله سلسله عرفانی است؛ اما اردستانی، علی‌رغم زهد و سلوک عارفانه‌اش، در زمان اصفهان بیرون رانده شد و به خاطر سرمای شدید زمستانی یکی از فرزندان خود را از سر داد. اردستانی به عنوان واپسین فیلسوف صدرایی عصر صفوی در ۱۱۱۳ چشم از جهان فرو بست.»

پس از تأسیس سلسله قاجار در ۱۱۰۱ هـ.ق، پایتخت ایران به تهران انتقال یافت. در آن زمان بود که به دعوت فتح‌علی شاه قاجار، رار بر این شد که ملاعلی نوری از شهر اصفهان به سوی شهر تهران بیاید که به سبب کهولت سن و تعارض شاگردان در شهر اصفهان، از این دعوت خودداری کرد و یکی از برترین شاگردان خود، ملاعبدالله زنوزی را به تهران فرستاد. ملاعبدالله زنوزی در همان ابتدای حضورش در تهران، به مدرسه مروی آمد و دو دهه به تدریس فلسفه پرداخت. شاید این حرکت را بتوان یکی از مهم‌ترین مسائل در انتقال پایگاه فلسفه از شهر اصفهان به تهران دانست. البته ذکر این نکته مهم است که بسیاری از اساتید اولیه مکتب تهران، تحت نظر حاج ملاهادی سبزواری، یکی از مهم‌ترین شارحان حکمت متعالیه به یادگیری فلسفه پرداخته بودند. شرح منظومه حاجی که یکی از مهم‌ترین

رساله‌های این شخصیت عظیم است، از آن زمان تا به امروز به‌عنوان یکی از دروس اصلی در حوزه فلسفه اسلامی تدریس می‌شود.

چهار حکیم دیگر نیز نقش بسزایی در شکل‌گیری بنیان‌های محکم فلسفه در شهر تهران را ایفا می‌کردند: آقا علی مدرس تهرانی (مشهور به آقا علی مدرس زنوزی) فرزند ملا عبدالله زنوزی، آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا حسین سبزواری. استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی، آقا علی مدرس زنوزی را مهم‌ترین فیلسوف چند سده پس از صدرالمتألهین دانسته‌اند. همچنین سید حسین نصر او را محوری‌ترین شخصیت در شکل‌گیری مکاتب تهران دانسته است.^۱ نظام فکری صدرالمتألهین شیرازی تا ایران معاصر نیز همچنان ادامه یافته است و شاید بتوان علامه طباطبائی رحمته‌الله، محمدکاظم عصار رحمته‌الله و سید جلال‌الدین آشتیانی رحمته‌الله را از مهم‌ترین حکمای نسل پیشین که توجه ویژه‌ای به حکمت متعالیه داشته‌اند، دانست. همچنین در حال حاضر نیز استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی را می‌توان مهم‌ترین حکیم بازمانده از سنت تهران دانست که همچنان با نگارش آثارش در طول قریب به چهل سال، تفکر فلسفی را زنده نگاه داشته‌اند که امیدوارم خداوند بر طول عمر ایشان بیفزاید.

آثار

از صدرالمتألهین شیرازی، بیش از ۴۵ عنوان اثر باقی مانده است که همچنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اصلی برای تفلسف در حوزه فلسفه اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از مسائلی که سبب پرداختن هرچه بیشتر به آثار ملاصدرا پس از وی، همچنین تا حدی فراموشی آثار پیش از او شده است، اثر عمیق و بسیار فصیح وی به‌شمار می‌آید. البته

باید توجه داشت که تا به امروز میسر نبوده است تا زمان دقیق تقریر تمام آثار صدرالمতألّهین را مشخص نمود. در ادامه به آثار صدرالمتألّهین شیرازی، اشاره شده است:^۱

۱. اتحاد العاقل و المعقول

۲. انصاف الماهیه بالوجود الف: مجموعه رسائل آخوند، تهران، ۱۳۰۲ق، چاپ سنگی، ص ۱۱۰-۱۱۹/، ب: حاشیه رساله و تصور و تصدیق (الجواهر النضید)، تهران، ۱۳۱۱ق، چاپ سنگی.

۳. اجوبه المسائل شمس الدین محمد الجیلانی (ملاشمسا) حاشیه مبدأ و معاد، تهران، ۱۳۱۴ق، چاپ سنگی، ص ۳۴۰-۳۵۹. (این رساله در پاسخ به سؤالاتی است که ملاشمسار گیلانی مطرح ساخته است.)

۴. اجوبه المسائل الف: حاشیه شرح الهدایه الاثیری، تهران، ۱۳۱۳ق، چاپ سنگی، ص ۳۸۳-۲۹۳/، ب: حاشیه تهذیب الاخلاق، تهران، ۱۳۱۴ق، چاپ سنگی، ص ۳۷۲-۳۹۱ (پاسخ به سؤالاتی که نصیرالدین طوسی از شمس الدین عبدالحمید خسروشاهی پرسیده است، بدون آنکه پاسخی دریافت نماید).

۵. اجوبه المسائل (جواب مسائل بعضی الخلاص) رسائل فلسفی، به تصحیح و تعلیق سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، ۱۳۹۲ق، دانشکده ادبیات.

۶. اثبات شوق الهیولی للصوره

۷. اسرار الآیات و انوار البینات الف: تهران، ۱۳۱۹ق، چاپ سنگی/، ب: به تصحیح محمد خواجوی، تهران، ۱۳۶۰ش، انجمن حکمت و فلسفه ایران (در یک مقدمه و ده فصل به مسائل قرآنی پرداخته شده است).

۱. در بیان کتابشناسی ملاصدرا از مأخذ زیر استفاده شده است: کتابشناسی توصیفی ملاصدرا (منبع زندگی، آثار و افکار)، علی اصغر حقदार، آئینه پژوهش ۱۳۷۴، شماره ۳۱ و همچنین برای توضیح برخی آثار در فهرست مذکور، از این مأخذ استفاده شده است: هانری کرین، مقدمه بر المشاعر، به ترجمه کریم مجتهدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱، صفحات ۴۶ تا ۶۰.

۸. اکسیر العارفين في معرفة الحق واليقين مجموعه رسائل آخوند، ص ۲۷۸-۳۴۰
(ترجمه ژاپنی، توکیو، انجمن بررسی های اسلامی) (درباره طبقه بندی علوم - شخص
انسان به عنوان محل معرفت. بدايات انسان و نهايت وجود او.)
۹. ایقاظ النائمين به تصحيح محسن مؤیدی، تهران، ۱۳۶۱ش، انجمن اسلامی حکمت و
فلسفه ایران.

۱۰. رساله فی التشخيص مجموعه رسائل آخوند، ص ۱۲۰-۱۳۲.

۱۱. التصم، والتصديق

الف: بحث به جوهر النضيد، تهران، ۱۳۱۱ق، چاپ سنگی، ب: ملحق به جوهر النضيد،
قم، ۱۳۶۲ش، انتشارات بیدار (ترجمه و شرح انتقادی (آگاهی و گواهی)، مهدی حائری
یزدی، تهران، ۱۳۶۰ش، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران).

۱۲. تعليقات شرح حکمة الاشراق

ملحق به شرح قطب الدين شيرازي بر حکمة الاشراق، تهران، ۱۳۱۵ق، چاپ سنگی.
(شامل بیش از ششصد تعلیقه بر حکمة الاشراق - هروردی)

۱۳. تعليقات على الالهيات من الشفا

ملحق به الهیات شفا، تهران، ۱۳۰۳ق، چاپ سنگی، (چاپ افست: قم، انتشارات بیدار).

۱۴. تفسير آية النور

الف: تفسير سور قرآنيه، تهران، ۱۳۲۲ق، چاپ سنگی، ب: تهران، ۱۳۱۳ق، چاپ
سنگی، ج: تفسير القرآن الكريم، تصحيح محمد خواجه، قم، ۱۳۶۶ش، انتشارات
بیدار، (ترجمه محمد خواجه، تهران، ۱۳۶۲ش، انتشارات مولی).

۱۵. تفسير آية الكرسي

الف: تفسير سور قرآنيه، ب: تفسير القرآن الكريم

۱۶ - تفسير سورة الاعلى

الف: تفسير سور قرآنيه، ب: به همراه كشف القواعد، تهران، ۱۳۱۲ق، چاپ سنگی، ج:
تفسير القرآن الكريم، (ترجمه محمد خواجه، تهران، انتشارات مولی)

۱۷ - تفسير سورة الحمد و البقره

الف: تفسیر سور قرآنیہ/، ب: به ہمرہ کشف القواعد/، ج: تہران، ۱۳۹۳ق، چاپ حروفی/، د: تفسیر القرآن الکریم.

۱۸- تفسیر سورہ الجمعہ

الف: تفسیر سور قرآنیہ/، ب: تفسیر القرآن الکریم، ج (ترجمہ محمد خواجوی، تہران، ۱۳۶۳ش، انتشارات مولی).

۱۹- تفسیر سورہ الحدید

الف: تفسیر سور قرآنیہ/، ب: تفسیر القرآن الکریم،

۲۰- تفسیر سورہ الزلزال

الف: تفسیر سور قرآنیہ، ب: تفسیر القرآن الکریم، (ترجمہ محمد خواجوی، تہران، ۱۳۶۳ش، انتشارات مولی).

۲۱- تفسیر سورہ السجدہ

الف: تفسیر سور قرآنیہ، ب: تفسیر القرآن الکریم،

۲۲- تفسیر سورہ الطارق

الف: تفسیر سور قرآنیہ، ب: تفسیر القرآن الکریم، (ترجمہ محمد خواجوی، تہران، ۱۳۶۳ش، انتشارات مولی).

۲۳- تفسیر سورہ الواقعہ

الف: تفسیر سور قرآنیہ، ب: تفسیر القرآن الکریم، (ترجمہ محمد خواجوی، تہران، ۱۳۶۳ش، انتشارات مولی).

۲۴- تفسیر سورہ یس

الف: تفسیر سور قرآنیہ، ب: تفسیر القرآن الکریم.

۲۵- حدوث العالم

الف: مجموعہ رسائل آخوند/، ب: با تصحیح و ترجمہ محمد خواجوی، تہران، ۱۳۶۳ش، انتشارات مولی. (ملاصدرا بر اساس نظریہ حرکت جوہری خود، آن را برقرار می سازد، برخلاف موضع استادش میرداماد است کہ عالم را قدیم می دانستہ است.)

۲۶- رسالہ الحشر

الف: مجموعه رسائل آخوند/، ب: حاشیه مبدأ و معاد، ص ۱۸۴-۲۳۱، چاپ سنگی/، ج: حاشیه کشف الفوائد، تهران، ۱۳۱۲ق، ص ۹۴-۱۴۰/، د: به تصحیح و ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران، ۱۳۶۳ش، انتشارات مولی.

۲۷. الحکمة العرشیه

الف: ملحق به رساله المشاعر، تهران، ۱۳۱۵ق، چاپ سنگی/، ب: با ترجمه غلامحسین آهنی، ۱/ب: اصفهان، ۱۳۴۱ش، دانشگاه اصفهان/، ۲/ب: تهران، ۱۳۶۱ش، انتشارات مولی. (این کتاب شامل لب نظریه صدرالمতألهین درباره وضع موجود انسانی پس از مرگ است.)

۲۸. الحکمة المتألهیه فی الاسفار العقلیه الاربعه (فی المسائل الربوبیه - خ ل)

الف: تهران، ۱۳۰۲ق، چاپ سنگی با حواشی سبزواری/، ب: قم، ۱۳۸۳ق، چاپ مطبعة الحیدری با حواشی سبزواری، نویسنده، اصفهان، آقا علی، هیدجی و طباطبایی در ۹ جلد/، ج: نجف ۱۳۸۷ق، /، د: بیروت، ۱۴۰۱م، دار احیاء التراث العربی/، ه: تهران، ۱۴۱۴ق، مؤسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الإرشاد الاسلامی به تصحیح و تعلیق آیه الله حسن حسن زاده آملی (ترجمه و تلخیص جواد مصباح (فلسفه عالی) و (روانشناسی فلسفی)، تهران، ۱۳۳۷ش، انتشارات دانشگاه تهران) (این مکتب کتاب ملاصدرا و کل مجموعه فلسفی ایران شیعی است. نگارش این کتاب به سال ۱۰۲۷هـ به پایان رسیده است. عنوان چهار سفر روحانی از اصطلاحات عرفانی سنتی گرفته شده است؛ معنای هر یک از چهار سفر، مسائل فلسفی و حکمی مربوط به آن را مشخص می‌کند: السفر من الخلق إلى الحق، السفر فی الحق بالحق، السفر من الحق إلى الخلق بالحق، السفر فی الخلق بالحق. در قسمت اول، امور عامه طبیعیات، ماده و صورت، جوهر و عرض مورد بررسی قرار گرفته و در انتهای آن سالک به حد فوق محسوس و حقایق الهی ارتقاء یافته است. در سفر دوم، مابعدالطبیعه ترک نمی‌شود؛ سالک در آن با الهیات و مسائل مربوط به ذات خداوند و اسماء و صفات خداوند آشنا می‌شود. سفر سوم از نظر ذهنی، عکس سفر اول نوشته شده است و شخص در مورد سلسله مراتب عقول و عوالم فوق محسوس، آشنایی و معرفت حاصل می‌کند. سفر چهارم، در مورد شناخت نفس یعنی شناخت خود است. در مسئله

توحید گفته می‌شود که فقط خداوند وجود دارد و در مورد رموزی صحبت می‌شود که مربوط به وضع انسان بعد از فوت است. ...)

۲۹- خلق الاعمال

الف: مجموعه رسائل آخوند، ص ۳۷۱-۳۷۷/، ب: حاشیه کشف الفوائد، ص ۱۴۶-۱۵۸. (منظور این است که چه کسی مسئول است؟ ملاصدرا مواضع سنی‌ها را با مواضع شیعیان که پیرو تعلیمات امامان هستند، مقایسه می‌کند.)

۳۰- دیباجه عرش التقدیس.

۳۱- دیوان شعر و منتخب رباعیات و مثنویات

ملحق به رساله سه اصل، به تصحیح سید حسین نصر، الف: تهران، ۱۳۴۰ش، دانشکده معقول و منقول، ب: تهران، ۱۳۶۰ش، انتشارات مولی، ج: تهران، ۱۳۶۵ش، انتشارات مولی. (توسط داماد و شاعر و...)، ملامحسن فیض کاشانی جمع‌آوری شده است.)

۳۲- سریان نور وجود انوار فی المله جودات

مجموعه رسائل آخوند.

۳۳- سه اصل

به تصحیح سید حسین نصر، الف: تهران، ۱۳۴۰ش، دانشکده معقول و منقول، ب: تهران، ۱۳۶۰ش، انتشارات مولی، ج: تهران، ۱۳۶۵ش، انتشارات مولی. (رساله‌ای است که ملاصدرا مستقیماً به زبان فارسی تحریر کرده است. همان‌طور که او با صوفیان افراطی درافتاده بود، در اینجا با بعضی متشرعین و فقهای رسمی مقابله پرداخته است؛ یعنی آن‌هایی که از فلسفه و عرفان بی‌خبرند و به نحز منظم، به طرد آن می‌پردازند.)

۳۴- شرح الاصول من الکافی

الف: به ضمیمه مفاتیح الغیب، تهران، ۱۲۸۲ق، چاپ سنگی، ب: به تصحیح و ترجمه محمد خواجوی، تهران، ۱۳۶۰ش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. (تفسیر اصول کافی ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی که یکی از بنیادی‌ترین آثار شیعه اثناعشری است و در میان تمام تفاسیری که از این کتاب در عصر صفویه شده است، تفسیر ملاصدرا به منزله

یک بنای عظیم فلسفه عرفانی به شمار می‌آید. متأسفانه او بیش از کتاب العقل و کتاب التوحید و ابتدای کتاب الحجة تا فصل یازدهم یعنی تا حدود یک‌دهم کتاب سوم، نتوانسته است تفسیر بکند. وفات، مهلت اتمام تفسیر را به ملاصدرا نداده است و کار او در مرحله بسط و گسترش فوق‌العاده خود به مانند هنر موسیقی باخ ناتمام مانده است.)

۳۵- شرح الهدایه الاثیریہ

تهران، ۱۳۱۳ق، چاپ سنگی.

۳۶- الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه

الف: با تمیقات سبزواری، تهران، ۱۲۸۶ق، چاپ سنگی /، ۱/ب: به تصحیح و تعلیق استاد آشتیانی، مشهد، ۱۳۴۶ش، دانشگاه مشهد ۲/ب: تهران ۱۳۶۰ش، مرکز نشر دانشگاهی (ترجمه حراد مصلح، تهران، ۱۳۶۶ش، انتشارات سروش) (در این اثر، ملاصدرا در نهایت مهارت، کل آراء خود را تلخیص می‌کند؛ ملاهادی سبزواری حواشی مهمی بر کل این کتاب نوشته است؛ حنین ملاعلی نوری و آقا محمدرضا قمشه‌ای هم حاشیه نوشته‌اند.)

۳۷- القضا والقدر، مجموعه رسائل آسود س ۱۴۸-۲۳۷.

۳۸- کسر اصنام الجاهلیه

به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۴۰ش، دانشگاه تهران. مقول و منقول (ترجمه/الف: محسن شفاهی، تهران، /، ب: محسن بیدارفر (عرفان و عبادت نمایان)، تهران، ۱۴۰۵ق، انتشارات الزهراء). (در این کتاب ملاصدرا خود را مرید وفادار کاتب شرافتی سهروردی نشان می‌دهد که برای او هر نوع کوشش به منظور تحقق معنویت روحی بدن تعلیمات فلسفی مقدماتی، به انحراف منجر می‌شود.)

۳۹- لمیه اختصاص المنطقه بموضع معین من الفلک

نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۸۷۶

۴۰- اللمعات المشرقیه فی المباحث المنطقیه

شرح و ترجمه (منطق نوین) عبدالحسین مشکوه الدینی، تهران، ۱۳۶۲، انتشارات آگاه.

۴۱- المبدأ والمعاد

الف: تهران، ۱۳۱۴ق، چاپ سنگی/، ب: به تصحیح و تعلیق سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، ۱۳۵۴ش، انجمن فلسفه ایران/، ج: نسخه خطی در اختیار نگارنده اهدانی استاد آیة‌الله سید ابوالحسن مولانا، ۱۲۳۷ق. (ترجمه ابوالقاسم بن احمد الیزدی، تهران، ۱۳۶۲ش، مرکز نشر دانشگاهی).

۴۲ - متشابهات القرآن

رسائل فلسفی آخوند، به تصحیح و تعلیق استاد آشتیانی، الف: مشهد، ۱۳۹۳ق، دانشگاه فردوسی/، ب: قم، ۱۳۶۲ش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۳ - الحج، مخطوط، کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، بشماره ۱۴۳.

۴۴ - ال سائل القدسیه

رسائل فلسفی آخوند، تصحیح و تعلیق سید جلال‌الدین آشتیانی.

۴۵ - المشاعر

الف: تهران، ۱۳۱۵ق، چاپ سنگی/، ب: با ترجمه میرزا عمادالدوله، (عماد الحکمه، تهران، ۱۳۴۲ش، انستیتو ایران) و فواد به با ترجمه و تعلیق فرانسوی هانری کربن، ج: با ترجمه غلامحسین آهنی، اصفهان، ۱۳۸۴ش، دانشگاه اصفهان/، د: با شرح ملامحمدجعفر لاهیجی، به تصحیح و تدقیق و مقدمه سید جلال‌الدین آشتیانی، ۱/د: مشهد، ۱۳۸۳ق، انتشارات زوار ۲/د: قم، ۱۳۶۰ش، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۶ - المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه

الف: در حاشیه مبدأ و معاد، چاپ سنگی، ص ۲۳۲-۲۳۸/، ب: به تصحیح استاد آشتیانی، مشهد، ۱۳۸۰ق، دانشکده الهیات. (گزارشی است از معارج الطالب فلسفی و کلامی از زاویه حیات معنوی).

۴۷ - المعاد الجسمانی

با شرح و تصحیح استاد آشتیانی (شرح بر زاد المسافر ملاصدرا)، تهران، ۱۳۵۹ش، انجمن حکمت و فلسفه ایران،

۴۸ - مفاتیح الغیب